

آقای ترامپ، تاریخ را نمی‌توان بمباران کرد

جناب آقای ترامپ،

پیش از آنکه بار دیگر از زبان قدرت با ایران سخن بگویید، بد نیست یک بار دیگر تاریخ را ورق بزنید؛ زیرا تاریخ، برخلاف سیاست، حافظه‌اش را از دست نمی‌دهد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فقط سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق نبود؛ ترور یک مسیر تاریخی بود. اسناد منتشرشده خود آمریکا امروز نشان می‌دهد که عملیات مشترک سازمان سیا و سرویس اطلاعاتی بریتانیا در براندازی دولت مصدق، و به قدرت رساندن یک حکومت وابسته بخشی از سیاست رسمی ایالات متحده و بریتانیا بود.

شاید آن روز در واشنگتن و لندن تصور می‌کردند که تنها یک دولت را ساقط کرده‌اند؛ اما در واقع، امید یک ملت به اصلاحات قانونی را زخمی کردند. از همان لحظه، این پیام به بسیاری از ملت‌های آسیا و آفریقا مخابره شد که هرگاه منافع قدرت‌های بزرگ به خطر بیفتد، صندوق رأی، قانون و استقلال ملی نیز قربانی خواهند شد. الهام گرفتن فرایند سیاسی جامعه الجزایر از رویدادهای حاکم بر ایران بی دلیل نبود. ایران و الجزایر، هرچند دو تجربه متفاوت داشتند، اما هر دو فرزندان یک دوران بودند؛ دوران استعمار و مقاومت. کودتای ایران در سال ۱۹۵۳ و آغاز انقلاب الجزایر در سال ۱۹۵۴، هر دو در فضایی شکل گرفتند که ملت‌ها به این نتیجه رسیده بودند که استعمار، هنگامی که منافعش به خطر بیفتد، زبان گفت وگو را کنار می‌گذارد و به زبان زور متوسل می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از جنبش‌های رهایی‌بخش در آسیا و آفریقا، بیش از پیش به سوی رادیکالیسم سوق پیدا کردند. شاید هرکدام دلایل خاص خود را داشتند، اما همه در یک تجربه مشترک شریک بودند: فروپاشی اعتماد به عدالت قدرت‌های بزرگ. طنز تلخ تاریخ اینجاست که همان سیاستی که قرار بود «ثبات» ایجاد کند، به بی‌ثباتی گسترده انجامید؛

همان مداخله‌ای که قرار بود از گسترش افراط گرایی جلوگیری کند، ناخواسته به رشد جریان‌های رادیکال کمک کرد. تاریخ بارها ثابت کرده است که وقتی راه اصلاحات بسته می‌شود، راه افراط گرایی باز می‌شود.

امروز نیز بیم آن می‌رود که همان اشتباه تاریخی، با لباسی تازه تکرار شود. اگر تصور می‌کنید بمباران، تحریم و تهدید، مردم ایران را به آغوش آمریکا خواهد برد، تاریخ دقیقاً عکس این را نشان می‌دهد. حافظه ملت‌ها با موشک پاک نمی‌شود. ویرانی شهرها، مرگ کودکان، آوارگی خانواده‌ها و زخم‌هایی که جنگ بر روح یک ملت بر جای می‌گذارد، دهه‌ها در حافظه جمعی باقی می‌ماند. شما شاید بتوانید یک تأسیسات را نابود کنید، اما نمی‌توانید خاطره مادری را که فرزندش را زیر آوار از دست داده، از بین ببرید. شاید بتوانید یک فرمانده را بکشید، اما نمی‌توانید خاطره نسلی را که صدای آژیر و انفجار را شنیده است، خاموش کنید.

همان‌گونه که کودتای ۲۸ مرداد بیست و شش سال بعد در انقلاب ۱۳۵۷، به بخشی از حافظه سیاسی ایرانیان تبدیل شد، جنایات و ویرانی‌های ناشی از هر جنگ جدید نیز در حافظه نسل‌های آینده باقی خواهد ماند. این حافظه، روزی در مناسبات ایران و آمریکا دوباره خود را نشان خواهد داد.

اشتباه بزرگ قدرت‌های امپراتوری همیشه یکی بوده است: گمان می‌کنند حافظه ملت‌ها کوتاه‌تر از عمر دولت‌هاست؛ در حالی که دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما ملت‌ها خاطره تحقیر، اشغال، کودتا و جنگ را نسل به نسل منتقل می‌کنند.

جناب آقای ترامپ،

ممکن است امروز از نظر نظامی دست برتر را داشته باشید، اما برنده واقعی سیاست کسی نیست که میدان نبرد را فتح کند؛ برنده کسی است که آینده را نسوزاند. ادامه این سیاست، نه امنیت بیشتری برای آمریکا خواهد آورد و نه ثبات بیشتری برای خاورمیانه. تنها چیزی که از

خود به جا خواهد گذاشت، انباشته شدن لایه‌ای تازه از نفرت، بی‌اعتمادی و انتقام در حافظه تاریخی ملت ایران است. روزی، خواه ناخواه، دولت‌های ایران و آمریکا دوباره پشت میز مذاکره خواهند نشست؛ زیرا جغرافیا را نمی‌توان تغییر داد.

اما بدانید که آن روز نیز مردم ایران کودتای ۲۸ مرداد را فراموش نکرده‌اند و جنایات و ویرانی‌های جنگ امروز را نیز فراموش نخواهند کرد. تاریخ را می‌توان تحریف کرد، اما نمی‌توان از حافظه ملت‌ها پاک کرد. و این همان حقیقتی است که همه امپراتوری‌ها، معمولاً زمانی می‌فهمند که دیگر برای جبران آن دیر شده است.

مهدی روسفید- برلن

18.07.2026